فهرست مطالب

[ادله عدم وجوب قنوت 1](#_Toc185160538)

[دلیل چهارم: موثقه سماعه 2](#_Toc185160539)

[دلیل پنجم: کثرت سؤال بزرگان اصحاب در مورد قنوت 2](#_Toc185160540)

[اشکال 2](#_Toc185160541)

[دلیل ششم: اختلاف السنه امر به قنوت 3](#_Toc185160542)

[اشکال 3](#_Toc185160543)

[دلیل مختار: الغای خصوصیت از صحیحه بزنطی و موثقه سماعه 4](#_Toc185160544)

[قنوت در نماز نافله 6](#_Toc185160545)

[قنوت در نماز شفع 6](#_Toc185160546)

[ادله عدم استحباب قنوت در نماز شفع 7](#_Toc185160547)

[وجه اول: صحیحۀ عبدالله بن سنان 7](#_Toc185160548)

[وجه دوم 8](#_Toc185160549)

[اشکال 8](#_Toc185160550)

[پاسخ 8](#_Toc185160551)

[اشکال به آقای سیستانی 9](#_Toc185160552)

یک تصویر شامل نقاشی, قطعه تصویر, رسم

شرح به‌صورت خودکار ایجاد شد

و هو مستحب في جميع الفرائض اليومية و نوافلها بل جميع النوافل حتى صلاة الشفع على الأقوى و يتأكد في الجهرية من الفرائض خصوصا في الصبح و الوتر و الجمعة بل الأحوط عدم تركه في الجهرية بل في مطلق الفرائض و القول بوجوبه في الفرائض أو في خصوص الجهرية منها ضعيف.

# ادله عدم وجوب قنوت

سه روایت در مورد عدم وجوب قنوت ذکر شد.

## دلیل چهارم: موثقه سماعه

روایت چهارمی نیز در مورد نماز جمعه نقل شده که: «وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْجُمُعَةِ فَقَالَ أَمَّا الْإِمَامُ فَعَلَيْهِ الْقُنُوتُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى بَعْدَ مَا يَفْرُغُ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ وَ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ مَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ قَبْلَ السُّجُودِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ مَنْ شَاءَ قَنَتَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَقْنُتْ وَ ذَلِكَ إِذَا صَلَّى وَحْدَهُ»[[1]](#footnote-2)می فرماید نماز جمعه دو قنوت دارد. اگر شخصی منفرد باشد و نماز ظهر بخواند اگر دوست داشت قنوت انجام دهد و اگر دوست داشت قنوت را ترک کند البته این روایت در خصوص نماز ظهر هست و نسبت به جمعه بودن گفته می‌شود که نماز ظهر روز جمعه کمتر از نماز ظهر روز های دیگر نیست اما ممکن است در نماز‌های جهریه قنوت واجب باشد ولی اگر این روایت به صحیحۀ بزنطی ضمیمه شود که در مورد نماز صبح فرمود «إِنْ شِئْتَ فَاقْنُتْ وَ إِنْ شِئْتَ فَلَا تَقْنُتْ»[[2]](#footnote-3)، دیگر الغای خصوصیت به نمازهای واجب دیگر راحت‌تر می‌‌شود.

## دلیل پنجم: کثرت سؤال بزرگان اصحاب در مورد قنوت

آقای خویی فرمودند: کثرت سؤال‌های بزرگان از اصحاب ائمه ع در مورد قنوت نشان می‌‌دهد که قنوت واجب نیست. اگر قنوت واجب بود که بر آن‌ها مخفی نمی‌ماند و یا مثلا صفوان بن مهران جمال نمی‌گفت: «صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَيَّاماً فَكَانَ يَقْنُتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ يَجْهَرُ فِيهَا أَوْ لَا يَجْهَرُ»[[3]](#footnote-4) یعنی من پشت سر امام صادق علیه السلام چند روزی نماز خواندم و در همۀ نمازها قنوت می‌‌گرفت. اگر قنوت واجب بود چنین نمی‌گفت و مثل این می‌‌ماند که گفته شود «صلیت خلف ابی عبدالله علیه السلام ایاما فکان یرکع فی کل صلاة» این مطلب گفتن ندارد و بیان این مطلب نشان می‌دهد که واجب نبوده است[[4]](#footnote-5).

### اشکال

به نظر ما این استدلال تمام نیست چون مورد، مورد تقیه بوده و ائمه ع مختلف صحبت می‌‌کردند و طبعا روات متحیر می‌‌شدند و از امام ع سؤال می‌‌کردند. این مطلب در مورد صفوان هم صادق است و با وجود این اختلاف شدید و روایات مختلف که در برخی نقل شده «لا تقنت الا فی الفجر»[[5]](#footnote-6) و یا نقل شده «القنوت فی الصلاة الجهریة»[[6]](#footnote-7) و صفوان دچار ابهام شده و می‌‌گوید من خود امام صادق ع را دیدم که در همۀ نمازها قنوت می‌‌گرفت. بنابراین دلیل بر این نیست که قنوت واجب نبوده است. وانگهی ممکن است که صفوان بن مهران جمال از وجوب قنوت اطلاع نداشته است و این طور نیست که هر چیزی که صفوان بن مهران از وجوبش اطلاع نداشته باشد کشف شود که واجب نیست. پس اینکه برای صفوان بن مهران جمال روشن نبود هم لو کان لبان نمی‌شود مگر در کنار این‌ قرار دهیم که برای بقیۀ روات هم مطلب روشن نبوده است. «لو کان لبان» نیز در جایی است که مظان تقیه نباشد و الا جایی که ائمه به‌خاطر تقیه مختلف صحبت کرده‌اند، حکم الله روشن نمی‌شود و لذا در برخی از روایات فرمودند «أَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُعْبَدَ سِرّاً»[[7]](#footnote-8).

## دلیل ششم: اختلاف السنه امر به قنوت

دلیل دیگری که آقای خویی بیان فرموده، اختلاف جواب‌های ائمه علیهم السلام است. ائمه ع یک بار در جواب از سؤال قنوت فرمودند: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ قَالَ لَا قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ»[[8]](#footnote-9). در جای دیگر فرمودند «لا تقنت الا فی الفجر»[[9]](#footnote-10) در مورد دیگر فرمودند: «القنوت فی الجمعة و المغرب و العشاء و الوتر»[[10]](#footnote-11)، همچنین فرمودند: «القنوت فی کل فریضة أو نافلة»[[11]](#footnote-12) . این اختلاف در جواب‌های ائمه ع نشان می‌‌دهد که قنوت مستحب بوده است[[12]](#footnote-13).

### اشکال

اولا به آقای خویی نقض می‌شود که در موارد مختلف که محقق همدانی و آقای داماد و آقای سیستانی می‌فرمودند اختلاف السنۀ روایات یک مسأله دلیل بر استحباب است؛ آقای خویی با ایشان مخالفت می‌کردند و این را دلیل بر استحباب نمی‌دانستند. از جمله در نحوۀ ذکر رکوع و نحوۀ تسبیحات اربعه آقای سیستانی فرمودند: بعید نیست که یک سبحان الله در تسبیحات اربعه کافی باشد یا در رکوع نیز سبحان الله یا مطلق ذکر کافی باشد ولی آقای خویی فرمودند اختلاف در السنه روایات دلیل نمی‌شود که تسبیحات اربعه مستحب باشد و یا اینکه اگر فقط یک سبحان الله گفته شود کافی است[[13]](#footnote-14).

همچنین در بحث استظهار[[14]](#footnote-15) ‌زن حائض مثلا اگر ایام عادت او هفت روز باشد و روز هشتم نیز خون ببیند و احتمال بدهد که این خون تا بعد از روز دهم نیز ادامه پیدا می‌‌کند یعنی شک دارد -نه یقین به انقطاعش تا قبل از ده روز دارد و نه یقین به استمرار آن دارد-؛ در روایت در مورد ایام استظهار بیان شده: «تستظهر بیوم»، «‌تستظهر بیوم او بیومین»، «تستظهر بثلاثة ایام»، «تستظهر الی تمام العشرة»[[15]](#footnote-16). محقق همدانی فرموده: معلوم می‌‌شود استظهار واجب نیست اگر واجب بود که این قدر اختلاف در خطابات شرعیه نبود. آقای سیستانی نیز از ایشان تبعیت کرده است. آقای خویی فرموده: اقل، ظهور در وجوب دارد و مازاد آن حمل بر استحباب می‌شود و لذا ایشان احتیاط واجب می‌‌کند که الاحوط وجوبا ان تستظهر بیوم و استظهار الی تمام العشرة مستحب است [[16]](#footnote-17).

ثانیا به نظر ما اختلاف السنه همانطور که در مسئله استظهار یا ذکر رکوع یا ذکر تسبیحات هم دلیل بر استحباب نیست، در اینجا نیز اختلاف السنه در قنوت دلیل بر مستحب بودن قنوت نیست. اگر هم کسی در موارد دیگر اشکال دارد در اینجا باید بپذیرد زیرا اینجا مظان تقیه بوده است و آقای خویی نیز روایات را حمل بر تقیه کردند. به نظر ما اختلاف جواب ها در مظان تقیه یک امر طبیعی است. وقتی مقام تقیه است، امام ع مختلف صحبت می‌‌کنند و این کشف نمی‌‌کند از این‌که حکم استحبابی بوده و واجب نیست. پس اینکه آقای خویی فرموده «و هذا کما تری اقوی شاهد علی أن القنوت فی حد نفسه لم یکن واجبا و إلا لأمروا به بقول مطلق»[[17]](#footnote-18) صحیح نیست.

## دلیل مختار: الغای خصوصیت از صحیحه بزنطی و موثقه سماعه

ما به صحیحۀ بزنطی و موثقه سماعه تمسک کرده و می‌گوییم که وقتی در نماز صبح و نماز ظهر روز جمعه قنوت لازم نیست، با الغای خصوصیت مشخص می‌شود که در نماز‌های دیگر نیز قنوت واجب نیست.

اگر کسی این دلیل را نپذیرد طبق مبنای مختار که احتمال ارتکاز سیره متشرعیه مانع انعقاد ظهور در خطاب می‌شود می توان گفت ما احتمال می‌‌دهیم ارتکاز متشرعه شیعه در زمان ائمه ع بر عدم وجوب قنوت بوده است، ‌و این سؤال‌ها از محدودۀ مشروعیت قنوت بوده است؛ چون عامه در غیر نماز صبح قنوت را مشروع نمی‌دانستند و در نماز صبح هم ابو حنیفه مشروع نمی‌دانست و مالک مستحب می‌دانست و شافعی می‌گفت که سنت است. ائمه ع هم که روایاتشان مختلف بود. این احتمال مانع می‌‌شود تا آن خطابی که فی حد نفسه ظهور در وجوب دارد، ظهور بالفعل در وجوب پیدا کند چون قرینۀ حالیۀ نوعیه متصله دارد و احتمال اتصال به قرینۀ حالیۀ نوعیه هم مساوی با عدم احراز ظهور است.

این منبا برای نفی وجوب برخی موارد که ظاهر خطاب در مورد آن ها وجوب است بسیار مفید است و شهید صدر نیز همین مبنا را دارند. مثلا اگر شخصی بگوید: «نماز شب بر طلبه واجب است» قرینه دارد که وجوب فقهی را نمی‌گوید. شما که شنیدید برای بقیه نقل می‌‌کنید و نیازی نمی‌بینید بگویید که مقصود ایشان وجوب اخلاقی است چون شنوندۀ سخن شما همانند شما ارتکازش بر این است که نماز شب بر طلبه واجب نیست. اگر کسی این جمله را به نقل از آن شخص در خاطرات خود بنویسد دلیلی نمی‌بیند که در کنار آن تذکر دهد که روشن است مقصود آن شخص وجوب اخلاقی بوده است ولی با گذشت زمان ارتکاز ها کم رنگ شده و بعد از مدتی ممکن است که کسی بگوید که ظاهر امر وجوب است یا حکم عقل اقتضای وجوب می‌‌کند و اینجا باید احتیاط کرد و بعد از مدتی احتیاط تبدیل به فتوا می‌‌شود و دلیل آن، کم‌رنگ شدن ارتکازها است. اما اگر کسی دقت کند می‌گوید مثلا اینکه گفتند «غسل الجمعة واجب» در زمان ائمه ارتکاز متشرعه این بوده که غسل جمعه واجب فقهی نیست و این «واجبٌ» به معنای مستحب مؤکد و «ثابتٌ» است. این مطلب در مورد غسل احرام و اقامه در نماز نیز گفته می‌شود. اینکه امام ع نیز مطابق با ارتکاز سخن بگویند مشکلی ندارد.

در مواردی که احتمال عقلایی داده شود که ارتکاز بر عدم وجوب بوده دیگر ظهور خطاب در وجوب احراز نمی‌شود. بنابراین لازم نیست که احراز ارتکاز بشود بلکه شک هم بکنیم که در آن زمان ارتکاز متشرعی بوده، این مساوی با عدم احراز انعقاد ظهور تصدیقی خطاب امر در وجوب است و می‌توان به اصل برائت رجوع کرد.

مثلا در مورد غسل احرام در ‌صحیحۀ ابن‌یقطین در مورد کسی که بدون غسل احرام یا بدون نماز احرام محرم شده نقل شده: «رجل احرم بغیر غسل او بغیر صلاة جاهلا کان او عالما فکتب یعیده»[[18]](#footnote-19) در اینجا اصلا دلیلی پیدا نمی‌شود که غسل احرام واجب نیست و لذا سید مرتضی در ناصریات می‌‌گوید: «اکثر اصحابنا قائلون بالوجوب»[[19]](#footnote-20). ‌آقای زنجانی هم زمانی فتوا به وجوب غسل احرام می‌دادند بعد احتیاط واجب کردند و بعد احتیاط مستحب کردند. آقای داماد هم می‌فرمودند غسل احرام واجب است. در اینجا نیز بهترین دلیل بر نفی وجوب غسل احرام احتمال ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب غسل احرام هست در این صورت معلوم نیست که «یعیده» ظهور در وجوب اعاده داشته باشد.

در قنوت ‌همین که مشهور نگفتند قنوت واجب است، منشأ عقلایی است برای این‌که احتمال داده شود که ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب بوده است. فقط وجوب قنوت از شیخ صدوق و ابن ‌ابی عقیل نقل شده است بنابراین احتمال می‌‌دهیم که ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب بوده است و الا مشهور بر چه اساسی قائل به عدم وجوب شدند.

در مواردی که شهرت بر عدم وجوب باشد لوکان لبان جاری است اما اینجا مظان تقیه است و دیگر لوکان لبان هم جاری نمی‌شود اما احتمال ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب کافی است و مانع از انعقاد ظهور تصدیقی خطاب امر در وجوب می‌‌شود. در مواردی که مشهور قائل به وجوب نشدند و ظاهر دلیل وجوب است و یا مشهور قائل به حرمت نشدند مانند خلف وعده و ظاهر دلیل حرمت است آقای خویی با تمسک به لو کان لبان می‌فرمایند اگر خلف وعده حرام بود لبان و اشتهر، بنابراین حرام نیست. ما در اینجا احتمال ارتکاز متشرعه بر عدم حرمت خلف وعده را ضمیمه می‌کنیم.

وقتی احتمال استقرار ارتکاز بر عدم وجوب قنوت بین متشرعه وجود دارد، همین مقدار کافی است که وقتی امام ع می‌‌فرماید «القنوت سنة واجبة» ممکن است به معنای ثابتة بثبوت مؤکد باشد و لازم نیست که کشف قطعی کنیم که چنین ارتکازی وجود داشته است.

# قنوت در نماز نافله

در ادامه صاحب عروه فرموده: «بل جمیع النوافل» در هر نافله‌ای قنوت مستحب است. در صحیحه عبدالرحمن نقل شده: «وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقُنُوتِ فَقَالَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ»[[20]](#footnote-21) در موثقۀ محمدبن مسلم هم نقل شده: «وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْقُنُوتُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فِي التَّطَوُّعِ أَوِ الْفَرِيضَةِ»[[21]](#footnote-22).

# قنوت در نماز شفع

صاحب عروه می‌فرماید: «حتی صلاة الشفع علی الاقوی».

وجه این تعبیر این است که مشهور می‌‌گویند نماز شفع قنوت دارد و نماز وتر هم که حتما قنوت دارد اما شیخ بهایی[[22]](#footnote-23)، صاحب مدارک[[23]](#footnote-24)، محقق سبزواری در ذخیره، صاحب حدائق[[24]](#footnote-25) فرموده اند که در نماز شفع قنوت مستحب نیست و حتی مشروع نیست البته نه به این معنا که حرام ذاتی است یعنی می‌تواند رجائا قنوت بگیرید و مشکلی ندارد، ولی به‌عنوان مستحب قنوت نباید بگیرید. آقای سید ابو الحسن اصفهانی در تعلیقۀ عروه فرمودند: «الاحوط الاتیان به رجائا». آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری و آقای آل یاسین و آقای حکیم و آقای سیستانی احتیاط کرده بلکه تعبیر این است که «یأتی به رجائا» که بالاتر از احتیاط می‌‌شود[[25]](#footnote-26) که در تعبیر مرحوم اصفهانی آمده بود.

## ادله عدم استحباب قنوت در نماز شفع

برای اینکه قنوت در نماز شفع مستحب نیست وجوهی ممکن است مطرح شود:

### وجه اول: صحیحۀ عبدالله بن سنان

وَ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ يَعْنِي عَبْدَ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْقُنُوتُ فِي الْمَغْرِبِ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ وَ فِي الْعِشَاءِ وَ الْغَدَاةِ مِثْلُ ذَلِكَ وَ فِي الْوَتْرِ فِي الرَّكْعَةِ الثَّالِثَةِ[[26]](#footnote-27).

مراد از وتر در اینجا، شفع و وتر است. وتر بالمعنی الاخص رکعت واحده است، وتر بالمعنی الاعم شامل شفع هم می‌‌شود و سه رکعت می‌شود. «القنوت فی الوتر فی الرکعة الثالثة» یعنی «لا فی الرکعة الثانیة» که رکعت ثانیه نماز شفع است.

بحثی در اینجا مطرح است که نماز شفع و وتر را می‌توان مانند نماز مغرب خواند یا باید حتما به صورت جدا خواند. متعارف امروز بین شیعه این است که دو رکعت شفع می‌‌خوانند سلام می‌‌دهند و بعد یک رکعت وتر می‌‌خوانند. مشهور می‌‌گویند باید جدا از هم خوانده شوند. ‌ما قائلیم که مخیر بوده و می‌تواند نماز شفع و وتر را مثل نماز مغرب بخواند و در رکعت دوم سلام ندهد و همچنین می‌تواند مانند متعارف، نماز شفع را مثل نماز صبح خوانده و بعد از آن یک رکعت نماز وتر بخواند. در هر صورت ظاهر «القنوت فی الوتر فی الرکعة ‌الثالثة» این است که شفع قنوت ندارد.

### وجه دوم

وجه دوم را صاحب حدائق فرموده که نماز شفع نداشته و همه‌اش نماز وتر است. در یک روایت ضعیفه از رجاء بن ضحاک نقل شده که شفع دورکعت است و وتر یک رکعت است[[27]](#footnote-28). رجاء بن ابی ضحاک در سفر با امام رضا علیه السلام بود و مامور مامون بود و قابل اعتماد نیست و توثیق هم ندارد. عمده روایات می‌فرمایند: «الوتر ثلاث رکعات»[[28]](#footnote-29). اگر نماز وتر به این معنا که سه رکعتی است، دو قنوت داشته باشد باید در رکعت دوم و سوم هرکدام یک قنوت داشته باشد اما در روایات گفته شده که در قنوت نماز وتر این دعا را بخوان و گفته نشده که در قنوت دوم نماز وتر این دعا را بخوان پس معلوم می‌‌شود نماز وتر که سه رکعت است یک قنوت بیشتر ندارد و الا می‌‌گفتند «اقرأ فی القنوت الثانی من صلاة وترک ذاک الدعاء»[[29]](#footnote-30).

### اشکال

آقای خویی فرمودند: قنوت در رکعت دوم نماز شفع مستحب است. این‌که امام ع فرمود: «القنوت فی المغرب و فی العشاء و الغداة و فی الوتر» از روی تقیه بوده است زیرا قنوت منحصر به این‌ موارد نیست و در تمام نمازهای فریضه و نافله قنوت هست در مورد نماز ظهر و عصر و سایر نوافل هم هست. چنانکه در روایت دیگر نیز حضرت فرمود: «فَأَفْتَيْتُهُمْ بِالتَّقِيَّةِ»[[30]](#footnote-31).[[31]](#footnote-32)

### پاسخ

در روایت نفرمود: «القنوت فی المغرب و فی العشاء و الغداة و فی الوتر» بلکه فرموده: «القنوت فی المغرب فی الرکعة الثانیة» یعنی قنوت را منحصر به نماز مغرب نکرده است بلکه فرمود قنوت در نماز مغرب در رکعت دوم است و قنوت در نماز عشا و نماز صبح هم در رکعت دوم آن است و قنوت در نماز وتر در رکعت سوم است. اینکه قنوت در نماز ظهر و عصر را بیان نکرد به معنای این نیست که قنوت را منحصر به نماز مغرب و عشا و صبح و وتر کرده تا گفته شود که از روی تقیه صادر شده است. آقای خویی خبر «القنوت» را «فی المغرب» گرفته است اما این صحیح نیست بلکه «القنوت فی المغرب» مبتدا است و خبرش «فی الرکعة الثانیة» است.

این که نماز وتر در روایت بیان شده ممکن است که به این دلیل باشد که خیال می‌‌کردند قنوت در نماز وتر در رکعت دوم است مانند نماز مغرب و برای این‌که بگویند نماز وتر با نماز مغرب فرق می‌‌کند به این صورت بیان فرمودند و ممکن است که اصلا در این روایت می‌خواهند نماز وتر را توضیح بدهند و می‌فرمایند نماز وتر قنوتش در رکعت سوم است تا با نماز مغرب یا نماز عشا یا نماز صبح اشتباه نشود. لذا به نظر ما اشکال قوی است اینکه در مورد قنوت نماز شفع فرمودند: «الاحوط وجوبا ان یأتی به رجائا» صحیح است

### اشکال به آقای سیستانی

مقدمه اول اینکه بنا بر نظر مثل آقای سیستانی اتیان به مسانخ و لو بدون قصد جزئیت زیاده است. در نتیجه اگر در رکعت اول قنوت بگیرید زیاده است ولو قصد جزئیت نداشته باشید، ‌چون محل قنوت رکعت اول نیست و اصلا نباید قصد جزئیت کرد زیرا مستحب، جزء واجب نمی‌شود. طبق نظر آقای خویی اگر قصد جزئیت نداشته باشید در هر کجای نماز می‌توان قنوت گرفت و صدق زیاده نمی‌کند و قصد تشریع هم نباید کرد یعنی قصد نکند که در رکعت اول هم قنوت مستحب است.

مقدمه دوم اینکه زیادۀ عمدیه در نماز نافله مبطل است. زیادۀ غیر عمدیه با زیادۀ عمدیه متفاوت است. زیادۀ غیر عمدیه و لو در ارکان مبطل نافله نیست اما طبق نظر بسیاری از بزرگان زیادۀ عمدیه در نماز نافله مبطل نماز نافله است. به دلیل «مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[32]](#footnote-33) و ادله‌ای که در محل خود ذکر شده است. بنابراین نمی‌توان نماز نافله صبح را سه رکعت خواند یا مثلا با دو رکوع خواند. در عروه هم این مساله که زیادۀ عمدیه در نافله مبطل است یا خیر مطرح شده و جمعی از علما تصریح کردند که در نافله زیادۀ عمدیه مبطل است و زیادۀ سهویه ولو به زیاده در ارکان باشد مبطل نیست.

با در نظر گرفتن این دو مقدمه وقتی در روایت فرموده: «القنوت فی الوتر فی الرکعة ‌الثالثة»، اینکه می‌فرمایید در نماز شفع می‌توانید قنوت بگیرید ولی قصد رجاء بکنید، اشکال صدق زیاده پیدا می‌کند. اگر واقعا قنوت در نماز شفع تشریع نشده و عمدا قنوت را بیاوریم اشکال صدق زیاده پیدا می‌کند زیرا قنوت جزء مسانخ است و حتی اگر بدون قصد جزئیت آورده شود باز هم صدق زیاده می‌کند.

البته این شبهة فی قبال بدیهة است. به نظر ما عرفا این زیاده نیست ولی با ضم چند تا مبنا به هم این شبهه به وجود می‌‌آید.

مطالب دیگری هم مطرح شده که از مباحث گذشته روشن شد و این مطلب را بررسی خواهیم کرد که محقق در معتبر فرموده که عمدا هم می‌‌شود قنوت را بعد از رکوع بجا آورد اما افضل قبل از رکوع است. این فرمایش را در جلسه آینده بررسی می‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.

1. [وسائل الشيعة 6 : 272](https://lib.eshia.ir/11025/6/272) [↑](#footnote-ref-2)
2. [وسائل الشیعه 6: 269](https://lib.eshia.ir/11025/6/269) [↑](#footnote-ref-3)
3. [وسائل الشيعة ‏6: 261.](https://lib.eshia.ir/11025/6/261) [↑](#footnote-ref-4)
4. موسوعة الإمام الخوئي ‌15: 367‌؛ الرابعة: كثرة الأسئلة عن القنوت الصادرة من أكابر الرواة و أعاظم أصحاب الأئمّة كزرارة و محمّد بن مسلم و صفوان و أضرابهم من الأعيان و الأجلّاء، فان نفس هذه الأسئلة المتكاثرة خير دليل بل أقوى شاهد على عدم الوجوب، بداهة أنّه لو كان واجباً لكان أمراً جليّا و واضحاً بعد شدّة الابتلاء به و أقله في كل يوم خمس مرّات، فكيف يحتمل خفاء مثله عن مثلهم. و هل هذا إلّا كالسؤال عن وجوب الركوع أو السجود. [↑](#footnote-ref-5)
5. [وسائل الشیعة 6: 266](https://lib.eshia.ir/11025/6/266) [↑](#footnote-ref-6)
6. [وسائل الشيعة 6: 265](https://lib.eshia.ir/11025/6/265) [↑](#footnote-ref-7)
7. [وسائل الشيعة 27: 112](https://lib.eshia.ir/11025/27/112) [↑](#footnote-ref-8)
8. [وسائل الشیعة 6: 269](https://lib.eshia.ir/11025/6/269) [↑](#footnote-ref-9)
9. [وسائل الشیعة 6: 266](https://lib.eshia.ir/11025/6/266) [↑](#footnote-ref-10)
10. [وسائل الشیعة 6: 265](https://lib.eshia.ir/11025/6/265) [↑](#footnote-ref-11)
11. [وسائل الشیعة 6: 261](https://lib.eshia.ir/11025/6/261) [↑](#footnote-ref-12)
12. موسوعة الإمام الخوئي ‌15: 367‌. [↑](#footnote-ref-13)
13. موسوعة الإمام الخوئي ‌14: 469‌. [↑](#footnote-ref-14)
14. استظهار یعنی این که بنا را بر حیض بگذارد و نماز نخواند و با شوهرش نزدیکی نکند، ‌دست به قرآن نزند، یعنی احتیاطا وظیفۀ حائض را مراعات کند. [↑](#footnote-ref-15)
15. [وسائل الشیعة 2: 301 - 304](https://lib.eshia.ir/11025/2/301) [↑](#footnote-ref-16)
16. موسوعة الإمام الخوئي ‌7: 241‌. [↑](#footnote-ref-17)
17. موسوعة الإمام الخوئي ‌15: 368‌. [↑](#footnote-ref-18)
18. مقرر: البته این روایت از علی بن یقطین نقل نشده است. در [وسائل الشیعه 12 : 347](https://lib.eshia.ir/11025/12/347) نقل فرموده: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ أَبِي الْحَسَنِ ع رَجُلٌ أَحْرَمَ بِغَيْرِ صَلَاةٍ أَوْ بِغَيْرِ غُسْلٍ جَاهِلًا أَوْ عَالِماً مَا عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ وَ كَيْفَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَصْنَعَ فَكَتَبَ يُعِيدُهُ.» [↑](#footnote-ref-19)
19. المسائل الناصریات 147. [↑](#footnote-ref-20)
20. [وسائل الشیعه 6: 263](https://lib.eshia.ir/11025/6/263) [↑](#footnote-ref-21)
21. [وسائل الشیعة 6: 265](https://lib.eshia.ir/11025/6/265) [↑](#footnote-ref-22)
22. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة 6: 39؛ صرح شيخنا البهائي (قدس سره) في حواشي كتاب مفتاح الفلاح بان القنوت في الوتر التي هي عبارة عن الثلاث انما هو في الثالثة و ان الأوليين المسماتين بركعتي الشفع لا قنوت فيهما، و استدل على ذلك‌ [↑](#footnote-ref-23)
23. مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام 3: 19. [↑](#footnote-ref-24)
24. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة 6: 41. [↑](#footnote-ref-25)
25. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 430. [↑](#footnote-ref-26)
26. [وسائل الشيعة 6: 267](https://lib.eshia.ir/11025/6/267) [↑](#footnote-ref-27)
27. [وسائل الشیعة 4: 56](https://lib.eshia.ir/11025/4/56) [↑](#footnote-ref-28)
28. [وسائل الشیعة 4: 51.](https://lib.eshia.ir/11025/4/51) [↑](#footnote-ref-29)
29. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة ‌6: 42‌. [↑](#footnote-ref-30)
30. [وسائل الشیعة 6: 263.](https://lib.eshia.ir/11025/6/263) [↑](#footnote-ref-31)
31. موسوعة الإمام الخوئي 11: 68. [↑](#footnote-ref-32)
32. [وسائل الشیعة 8: 231](https://lib.eshia.ir/11025/8/231) [↑](#footnote-ref-33)